



پانچلو یکی از آدم چوبی‌هایی بود که همیشه دایره می‌گرفت. او هم سعی می‌کرد مانند دیگران خیلی بالا بپرد، اما همیشه به زمین می‌افتاد. وقتی زمین می‌خورد، دیگران دورش جمع می‌شدند و به او دایره می‌دادند.

هر بار که می‌افتاد، چوب دست و پایش خراش برمی‌داشت و مردم دایره‌های بیشتری به او می‌دادند. وقتی سعی می‌کرد برای بقیه توضیح دهد که چرا به زمین افتاده است، حرف‌های نامناسبی می‌زد که بازهم باعث می‌شد و می‌کی‌ها دایره‌های بیشتری به او بدهند.

بعد از مدتی، او آن قدر دایره‌های خاکستری گرفته بود که دیگر تمایلی برای از خانه بیرون رفتن نداشت. او از این می‌ترسید که کار احمقانه‌ای انجام دهد. مثل اینکه کلاهش را فراموش کند یا در آب بیفتد، آن وقت مردم بیایند و به او دایره‌ی دیگری بدهند.

او آن قدر دایره‌های خاکستری گرفته بود که گاهی بعضی از مردم به سمت او می‌آمدند و بدون هیچ دلیلی به او دایره‌ی خاکستری می‌دادند.

